

## درس هفتم: در حقیقت عشق

"در حقیقت عشق" (فی حقیقه العشق): شهاب الدین سهروردی / نوع ادبی: ادب غنایی.  
"سودای عشق": تمهیدات عین القضاة / نوع ادبی: ادب غنایی  
شعرخوانی: صبح ستاره باران: مثل درخت در شب باران، محمدرضا شفیعی کدکنی (م. سرشک)

### قلمرو زبانی

۱- معنای واژه های مشخص شده را بنویسید.

الف) ای عزیز، به خدا رسیدن فرض است.

ب) مَمَات بی عشق می یاب.

پ) عشق هر کسی را به خود راه ندهد و به همه جایی مَأُوا نکند

ت) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد

ث) تو عاشق و محبّ مایی و ما معشوق و حبیب توایم

۲. در متن زیر، در صورت وجود اشتباه املائی، آن را اصلاح کنید.

«پس عشق از بحر این معنی، فرض راه آمد. کار طالب آن است که در خود جز عشق نطلبد.»

۳. با توجه به بیت: «وین (نعمه/نعمه) محبّت، بعد از من و تو ماند / تا در زمانه باقی است آواز باد و باران»

به سوال ها پاسخ دهید.

الف) واژه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

ب) نقش واژه های مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

پ) ترکیب وصفی و اضافی را مشخص کنید.

ت) نوع «واو» را بیان کنید.

۴. در عبارت زیر واژه ای را بیابید که هم آوای آن در زبان فارسی وجود دارد.

الف) حیات از عشق می شناس و ممت بی عشق می یاب.

۵. عبارت زیر را بخوانید و به سوال ها پاسخ دهید.

(بدان که از جمله نام های حُسن یکی «جمال» است و یکی «کمال».)

الف) نوع حذف را مشخص کنید.

ب) واژه های سجع را بیابید.

### چند نمونه سجع

- همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال.

- عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده، و تخم خرمایی به تربیت او نخل باسق گشته.

- باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

- ملک بی دین باطل است و دین بی ملک ضایع.

۶. معادل معنایی واژه «شیدایی» در کدام بیت آمده است؟ مشخص کنید

الف) در عالم پیر، هر کجا برنایی است / عاشق بادا که عشق خوش سودایی است

ب) گفתי تبه روزگاران مهری نشسته / گفتم « بیرون نمی توان کرد حتی به روزگاران

۷. نقش دستوری واژه های مشخص شده را بنویسید

الف: محبّت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند.

ب: من او را باهوش یافتم.

پ: در عشق قدم نهادن، کسی را مسلم شود.

ت: مردم همه، او را عاشق می پنداشتند.

۸. با توجه به بیت زیر، به سوال ها پاسخ دهید.

چو از شمعی رسد پروانه را نور // در آید پر زنان پروانه از دور.

الف: نقش واژه های مشخص شده را بنویسید.

ب: نوع «را» مشخص نمایید.

۹. با توجه به بیت زیر به سوال ها پاسخ دهید.

در عالم پیر، هر کجا برنایی است / عاشق بادا که عشق خوش سودایی است

الف: نقش واژه های مشخص شده را بنویسید.

ب: معاد معنایی واژه «شیدایی» را بیان کنید.

## قلمرو ادبی

۱۰. کنایه عبارت زیر را بنویسید. «در عشق قدم نهادن کسی راست که با خود نباشد و ترک خود کند».

۱۱. در بیت زیر قسمت های مشخص شده چه آرایه ای دارند؟

آینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل لبخند گاه گاهت ، صبح ستاره باران

۱۲. برای آرایه های «تشبیه و کنایه و جناس» از ابیات و عبارات زیر نمونه هایی را مشخص کنید:

الف) از جمله نام های حُسن یکی «جمال» است و یکی «کمال»

ب) به عالم عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد .

پ) در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند

۱۳. واژه های مشخص شده در متن زیر، چه آرایه ای دارند؟ «عشق هر کسی را به خود راه ندهد و به همه جایی مأوا نکند و به هر دیده

روی ننماید.»

## قلمرو فکری

۱۴. ارتباط معنایی گزینه های زیر را بیان کنید.

الف) عشق هر کسی را به خود راه ندهد و به همه جایی مأوا نکند و به هر دیده روی ننماید.

ب) صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع / لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست

۱۵. معنی و مفهوم عبارت: «هر که عاشق نیست، خودبین و پرکین باشد، و خودرای بود. عاشقی بی خودی و بی راهی است.» را بنویسید.

۱۶. عبارات و اشعار زیر را به نثر روان بنویسید .

الف) در عشق کسی قدم نهاد کیش جان نیست با جان بودن به عشق درسامان نیست

ب) در عالم پیر، هر کجا برنایی است عاشق بادا که عشق خوش سودایی است

۱۷. درک و دریافت خود را از عبارت های زیر بنویسید.

الف) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل ها افزون آید .

۱۸. مفهوم مشترک ابیات و عبارات زیر را بنویسید.

۱. در عشق کسی قدم نهاد کیش جان نیست \* باجان بودن به عشق در سامان نیست

۲. در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند

۳. دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق یابی و زر شوی

۴. تا نگریدی بی خبر ز جسم و جان / کی خبر یابی ز جانان یک زمان

۵. هوای عشق او داری، هوای خویشتن بگذار / خیالش نقش می بندی، رها کن دل ز جان بگذر

۶. من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم // حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو

(توجه: تعداد زیاد ابیات جهت بررسی مفهوم مشترک، صرفاً جهت آشنایی دانش آموزان با موارد بیشتر است.)

۱۹. با توجه به عبارات زیر به سوالات پاسخ دهید.

«ای عزیز، پروانه، قوت از عشق آتش خورد، بی آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد تا آنگاه که آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند؛ چون به آتش رسد، خود را بر میان زند. خود نداند فرقی کردن میان آتش و غیر آتش، چرا؟ زیرا که عشق، همه خود آتش است.»

الف) پروانه نماد چیست؟ ب) نویسنده عشق را با چه چیزی مقایسه کرده است؟

۲۰. مفهوم مشترک گزینه های زیر را بیان کنید.

الف) وجود عاشق از عشق است؛ بی عشق چگونه زندگانی کند؟ حیات از عشق می شناس و ممات بی عشق می یاب.

ب) بی عشق زیستن را جز نیستی، چه نام است؟ / یعنی اگر نباشی، کار دلم تمام است.

۲۱. مفهوم مشترک گزینه های زیر را بیان کنید.

الف) می تواند حلقه بر در زد حریم حُسن را / در رگ جان، هر که را چون ذلف، پیچ و تاب است.

ب) به حسن - که مطلوب همه است - دشوار می توان رسیدن؛ زیرا که وصول به حُسن ممکن نشود؛ الا به واسطه عشق.

۲۲. مفهوم مشترک دو گزینه زیر را بنویسید.

الف) عشق مستغنی است از تدبیر عقل حيله گر / شیر کی سازد عصای خود دم روباه را

ب) «سودای عشق از زیر کی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل ها افزون آید.»

)

## درس هفتم: در حقیقت عشق

### قلمرو زبانی

۱. الف: واجب      ب: مرگ، موت      پ: (اقامت، مکان      ت: شیدایی، خیال، دیوانگی، اشتیاق      ث: محب: دوستدار، یار و عاشق / حبیب: یار، محبوب.
۲. واژه «بحر» در این عبارت اشتباه است و باید به صورت «بهر» باشد.
۳. الف) (نغمه) \*\* ب) مضاف الیه / مسند / گروه نهادی) \*\* پ) (وصفی: این نغمه // اضافی: نغمه محبت، آواز باد، آواز باران ( \*\*ت) نوع «واو» (عطف)
۴. (حیات: زندگی / هم آوای حیات، حیاط است به معنی: محوطه، صحن خانه)
۵. الف) (حذف فعل «است» به قرینه لفظی بعد از واژه «کمال»)      ب) واژه های سجع: جمال و کمال
۶. الف - سودایی

۷. الف: نهاد - مسند      ب: (مسند)      پ: (گروه نهادی / مسند) نوع «را»: حرف اضافه به معنی «برای»      ت: (بدل - مسند)

۸. الف: (مفعول - نهاد - قید)      ب: نوع «را»: حرف اضافه به معنی «به»

۹. الف: (نهاد - مسند - نهاد)      ب: معاد معنایی واژه: شیدایی: دیوانگی و سودایی

### قلمرو ادبی

۱۰. در عشق قدم نهادن کسی راست که با خود نباشد و ترک خود کند: کنایه از کنار گذاشتن خودخواهی

۱۱. پاسخ: آیینۀ نگاهت: اضافه تشبیهی / صبح ستاره باران: تناقض (متناقض نما)

۱۲. الف: جناس: جمال و کمال      ب: تشبیه: معرفت و عشق به نردبان تشبیه شده است      پ: کنایه: ترک خود کند

۱۳. واژه های (ندهد - نکند - ننماید) آرایه سجع دارند.

### قلمرو فکری

۱۴. مفهوم مشترک هر دو گزینه: لزوم شایستگی در عشق.

۱۵. هر کس که عاشق نیست، نشانه این است که متبکر و پرکینه و مستبد است. عاشقی، بی هوشی و ترک خودخواهی و رهایی از تکبر و غرور است. مفهوم: نشان عاشق واقعی، ترک خودخواهی و بی تعلقی است.

۱۶. الف) بدر راه عشق کسی می تواند قدم بگذارد که جانش را نادیده بگیرد؛ با جان بودن نمی توان در راه عشق حرکت کرد.

ب) در این دنیای کهن هر کجا که جوانی هست؛ الهی که همیشه عاشق باشد چرا که عشق شوری بسیار زیبا است.

۱۷. پاسخ: برتری عشق بر عقل

۱۸. مفهوم هر شش گزینه سوال ۱۸: شرط وصول به عشق و کسب شایستگی برای ورود به وادی عشق، ترک تعلقات دنیوی و کنار گذاشتن خود است.

۱۹. پاسخ: الف) عاشق واقعی      ب) آتش

۲۰. مفهوم مشترک هر دو گزینه: حیات بخشی عشق / وابسته بودن زندگی عاشق به عشق / منشأ وجود عاشق از عشق است.

۲۱. مفهوم مشترک هر دو گزینه: شرط ورود به حریم حُسن، این است که عشق در وجود عاشق باشد.

۲۲. پاسخ: هر دو گزینه به برتری عشق بر عقل اشاره دارند.